چشم‌اندازی از مکان‌های احتمالی که تروریست‌های شکست خورده در سوریه و عراق در آنها فعال می‌شوند

ژئوپلتیک داعش پس از سقوط

رویکرد
دورنما
روح‌الله صالحی

بعد از فروپاشی داعش در عراق و سوریه، این گروه تروریستی در جست‌وجوی مخفیگاه‌های جدیدی است تا همچنان سیطره و نفوذش را در بیش از یک مکان تقویت کند و به حیات خود ادامه دهد. پس از پیروزی نیروهای مقاومت در سوریه و عراق و وارد کردن ضربات سهمگین بر تروریست‌های داعش، اکنون این سؤال مطرح است که پس از عراق و سوریه، مقصد بعدی داعش کجا خواهد بود؟ هرچند کار داعش در عراق و سوریه تمام شده محسوب می‌شود، اما این پایان کار نیست و تروریست‌هایی که از میدان جنگ گریخته‌اند به دنبال یافتن پناهگاه‌های امن هستند تا قدرت از دست رفته خود را بازیابند. داعش که در رؤیای تشکیل خلافت جهانی است، شاخه‌های متعددی را در برخی کشورهای اسلامی و غیراسلامی ایجاد کرده و این گروه‌ها هر از گاهی با ارتکاب جنایات خونین ابراز وجود می‌کنند. وجود چنین هسته و شبکه‌های تروریستی در برخی کشورهای منطقه که پیشتر با داعش بیعت کرده‌اند، می‌تواند عامل مؤثری برای جذب و پذیرش تکفیری‌های فراری باشد. نجات فرماندهان داعش در سوریه و عراق به دست بالگردهای امریکایی و انتقال آنها به مناطق نامعلوم بیانگر این است که امریکا برای استفاده ابزاری از این گروه در مناطق دیگر برنامه‌هایی دارد. هرچند بسیاری بر این باورند که داعش یک منطقه را برای ادامه فعالیت‌های خود انتخاب خواهد کرد، اما به نظر می‌رسد، داعش با درس گرفتن از تجربه عراق و سوریه، تلاش خواهد کرد نفوذ خود را در بیش از یک منطقه جغرافیایی توسعه دهد؛ چراکه این مسئله علاوه بر اینکه از بعد روانی نمایش قدرتی برای این گروه به شمار می‌رود، ضامن ارتباطات و نفوذش در منطقه نیز خواهد بود.

■ افغانستان و آسیای مرکزی

داعش در سال‌های گذشته همزمان با قدرت‌گیری در عراق و سوریه، تروریست‌های تحت فرمان خود را در برخی کشورهای منطقه فعال کرد تا بتواند با نفوذ و عضوگیری در این کشورها خلافت خود را تا مرزهای دورتر از عراق و سوریه گسترش دهد. افغانستان که در خلافت خودخوانده داعش با نام «ولایت خراسان» مطرح است، به دلیل غرق شدن در جنگ داخلی شرایط را برای نفوذ داعش فراهم کرد و با اعلام موجودیت داعش در افغانستان در ژانویه ۲۰۱۵ و همزمان با خروج نیروهای امریکایی، بسیاری از ناظران بر این باور بودند که در صورت شکست تروریست‌ها در عراق و سوریه، افغانستان مقصد بعدی داعش خواهد بود. با توجه به وجود گروه‌های تندرو و افراطی در افغانستان و آسیای مرکزی، این منطقه بهترین گزینه برای موج سواری داعش است تا قدرت خود را بار دیگر احیا کند. افزایش حملات داعش و تصرف برخی مناطق در ماه‌های اخیر، نشان از جایگاه مهم افغانستان برای داعش است. بر اساس آمارهای اعلام شده، داعش بیش از ۳هزار نیرو در افغانستان دارد که بسیاری از آنها از اعضای جدا شده طالبان هستند و هر روز بر تعداد این افراد افزوده می‌شود. فرماندهان ناسازگار طالبان که سال‌هاست قدرت را در افغانستان از دست داده‌اند، تمایل دارند با بهره بردن از قدرت داعش، قدرت از دست رفته خود را بازیابند، بنابراین گرایش به داعش و دعوت از آن برای حضور در افغانستان، می‌تواند به عنوان منبع مشروعیتی برای این گروه نیز باشد. بر اساس گزارش های اطلاعاتی روسیه، نزدیک به ۵هزار نفر از اتباع روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در گروه داعش عضویت دارند که بازگشت آنها به افغانستان و مرزهای جنوبی روسیه می‌تواند دوباره این گروه را به قدرت بازگرداند. اویغورهای سین کیانگ، افراط گرایان ازبکستان و تاجیکستان که مترصد فرصتی برای مقابله با حکومت‌هایشان هستند، می‌توانند از وجود داعش برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند. از طرفی، داعش که دشمن قسم خورده ایران و روسیه است و این دو کشور را عامل اصلی شکست‌های خود در خاورمیانه می‌داند، به دنبال ضربه زدن به منافع آنهاست و با توجه به نزدیکی افغانستان به این دو کشور، تروریست‌ها می‌توانند حملاتی را علیه تهران و مسکو ترتیب دهند. همچنین با توجه به حضور نیروهای امریکایی در افغانستان و حمایت واشنگتن از داعش در منطقه، لذا در آینده شاهد رشد و تقویت داعش در افغانستان خواهیم بود؛ چراکه امریکا هم برای جبران شکست خود در خاورمیانه، در پی ناامن کردن مرزهای روسیه و ایران است و انتقال تروریست‌ها به افغانستان می‌تواند واشنگتن را در رسیدن به اهدافش یاری دهد.

■ لیبی منطقه امن

مکان دیگری که داعش از دیرباز در آن نفوذ کرده است و به عنوان مقصد بعدی داعش مطرح شده شمال آفریقا و به ویژه کشور لیبی است. ابوبکر البغدادی، سرکرده داعش در نوامبر ۲۰۱۴، نمایندگانی را به لیبی اعزام کرد تا از گروه تروریستی «انصارالشریعه» لیبی برای اتحاد رسمی با داعش بیعت بگیرند و به دنبال آن، شاخه لیبی داعش اعلام موجودیت کرد و این گروه اکنون با توجه به موقعیت مناسب لیبی، نبود دولت وحدت ملی و ارتش مستقل، برای انتقال نیروهای خود به این کشور تلاش می‌کند. گزارش شورای امنیت سازمان ملل حاکی از این است که ۸۰۰ تن از عناصر داعش از سوریه به لیبی منتقل شده‌اند و تعداد داعشی‌های حاضر در لیبی هم بر اساس گزارش‌های اعلام شده حدود ۲هزار نفر است که این رقم در صورت انتقال تروریست‌های فراری از خاورمیانه افزایش خواهد یافت. باتوجه به اینکه داعش برای ادامه حیات خود نیاز به منابع مالی دارد، لیبی با داشتن منابع نفت و گاز می‌تواند منبع تغذیه خوبی برای داعش باشد. داعش سه سال است که شهر «سرت» در نزدیکی مناطق نفتخیز و پالایشگاه‌های شرق لیبی موسوم به «هلال نفتی» را اشغال کرده و این شهر اکنون به میعادگاه فرماندهان و عناصر شکست خورده و فراری داعش در عراق و سوریه تبدیل شده است. همچنین مساحت گسترده لیبی در مقایسه با عراق و سوریه، برای داعش جذابیت بیشتری دارد. لیبی از شمال به دریای مدیترانه و آب‌های آزاد، راه دارد و همین مسئله به ارتباط تروریست‌ها با جهان آزاد و خروج از انزوا کمک می‌کند و تکفیری‌ها می‌توانند به راحتی به تجارت‌های غیرقانونی و سودآور مثل فروش دختران و زنان به عنوان برده جنسی روی بیاورند، یعنی همان کاری که در سوریه و عراق شاهد بودیم. لیبی از منظر دیگری نیز برای داعش مهم است. حضور گروه‌های تروریستی «بوکوحرام» در نیجریه و «الشباب» در سومالی که پیشتر با داعش بیعت کرده‌اند، می‌توانند برای این گروه سکوی پرتابی برای برپایی خلافت در آفریقا باشند. در صورتی که تروریست‌های داعش به آفریقا نقل مکان کنند با بهره‌برداری از هرج و مرج حاکم بر کشورهای آفریقایی و وجود دولت‌های ضعیف و همچنین با پیوستن گروه‌های تروریستی به داعش، می‌توانند اشغالگری در آفریقا را توسعه دهند. عامل دیگری که لیبی را برای داعش جذاب کرده است، نزدیکی این کشور به مرزهای جنوبی اروپاست. شهر «سرت» در نزدیکی سواحل ایتالیا قرار دارد و داعش می‌تواند به راحتی از آنجا به سوی کشورهای اروپایی منتقل شود و مجدداً حملات خود در قاره اروپا را از سر بگیرد. به همین دلیل است که داعش شهر «سرت» را کم اهمیت‌تر از شهر رقه سوریه نمی‌داند و برای به کنترل در آوردن سواحل لیبی تلاش می‌کند.

■ مصر

هرچند مصر به اندازه افغانستان و لیبی برای داعش اهمیت ندارد، اما به عنوان یکی از مقصدهای محتمل داعش مطرح است. حضور گروه ضعیف «انصار بیت‌المقدس» در مصر که با داعش بیعت کرده است در سال‌های اخیر حملات خونینی را انجام داده که طی آن صدها تن کشته و زخمی شده‌اند. داعش برای جبران شکست خود در البوکمال سوریه، با حمله به مسجدی در استان سینا دست به یک جنایت بزرگ زد و با کشتن بیش از ۳۰۰ نفر، ادامه موجودیت خود را اعلام کرد، بنابراین بی‌ثباتی سیاسی در مصر، می‌تواند همچون وضعیتی که در لیبی حاکم است، زمینه‌های مساعد برای فعالیت‌های تروریستی را فراهم سازد. هر چند تعداد اعضای گروهک داعش در مصر اندک است، اما محدوده عمل آنها گسترده است و حملاتی که در ماه‌های اخیر به کلیساها و مساجد انجام داده‌اند، ابعاد جنایات این گروه را به خوبی نشان می‌دهد. باتوجه به پشتیبانی مالی از سوی برخی کشورهای عربی، این گروه می‌تواند خود را تقویت و خطر بزرگی را برای دولت و مردم مصر ایجاد کند.

■ ارزیابی

در مجموع، می‌توان گفت که داعش پس از شکست در سوریه و عراق، فعالیت‌های خود را در دیگر کشورها تشدید خواهد کرد تا حیات خود را ثابت کند و بنابراین مقابله با این گروه نیازمند عزم جدی دولت‌ها برای خشکاندن ریشه تروریسم است. پیروزی محور مقاومت در عراق و سوریه نشان داد که به رغم حمایت‌های جهانی از داعش، شکست این گروه دور از انتظار نیست و کشورهای دیگر هم می‌توانند الگوی مقاومت را در مقابله با داعش به کار گیرند. هرچند در رسیدن به این هدف راه سختی پیش رو دارند؛ چراکه دشمنان مقاومت با تقویت تروریست‌ها همچنان تلاش می‌کنند آشوب و جنگ در منطقه را حفظ کنند و در این میان، عربستان و امریکا برای تحقق اهداف و منافع خود در منطقه به استفاده ابزاری از داعش ادامه خواهند داد. علاوه بر تلاش داعش برای یافتن پناهگاه جدید، پیش‌بینی می‌شود داعش سیاست تمرکز در منطقه‌ای خاص را تغییر و تاکتیک عملیاتی «گرگ‌های تنها» را برای انتقام‌گیری مدنظر قرار دهد، به همین دلیل باید شاهد آغاز فصل جدیدی از عملیات‌های تروریستی و انتحاری این گروه در نقاط مختلف جهان به ویژه در اروپا باشیم.

رویکرد
دکتر سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

آرامش با عقب‌نشینی حریری حکمفرما می‌شود

میوه مصالحه لبنان از طوفان سعودی

میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان در مصاحبه‌ای با روزنامه ایتالیایی لااستامپا از پشت سر گذاشتن بحران می‌گوید و اینکه مسائل ظرف چند روز آینده حل خواهد شد و با باقی ماندن سعد حریری در پست نخست وزیری، منطقه شاهد نمونه‌ای از همزیستی مسالمت‌آمیز در منطقه خواهد بود. این نمی‌تواند صرف خوش‌بینی او باشد؛ چراکه عون از مذاکراتی گفته که طی این روزها بین تمامی نیروهای سیاسی در بیروت، پایتخت لبنان و خارج آن انجام شده و تأکید می‌کند با پایان گرفتن مذاکرات، توافق گسترده و کلی وجود دارد. می‌توان گفت که باقی ماندن سعد حریری در پست نخست‌وزیری لبنان بخشی از این توافق است، اما در مورد بخش‌های دیگر توافق می‌توان از اشاره او در مورد ادامه جنگ رزمندگان حزب‌الله با تروریست‌ها گفت که نشان می‌دهد بر سر این موضوع مهم هم توافقی به دست آمده است. همین دو وجه از توافق به خوبی عبور از بحران و بازگشت آرامش به لبنان را با عقب‌نشینی آرام سعد حریری نشان می‌دهد که به قول عون تنها با هنر لبنانی‌ها برای همزیستی مسالمت‌آمیز به دست می‌آید و نشان می‌دهد که لبنانی‌ها با این هنر چگونه توانستند مداخله‌جویی تفرقه‌افکنانه آل سعود را خنثی کنند و اجازه ندهند کشورشان بار دیگر به ورطه‌ای از جنگ فرقه‌ای سقوط کند.

■ استعفای نیم‌بند

بحران از روز شنبه چهارم نوامبر شروع شد که سعد حریری در ریاض، پایتخت آل سعود و در مقابل دوربین شبکه خبری العربیه متن استعفای خود را قرائت کرد. جدای از محتوای سراسر تخریبی این متن، اصل انجام این کار و قرائت متن استعفا از پست نخست‌وزیری لبنان توسط او در پایتخت کشوری دیگر و توسط شبکه خبری وابسته به سعودی‌ها از عواملی بود که باعث شد جبهه واحدی در لبنان شکل بگیرد بر مبنای عدم پذیرش استعفا و بازگشت او به کشور در صحت و سلامت کامل. تحلیلگرانی مثل دیوید ایگناتیوس در روزنامه واشنگتن پست یا رابرت فیسک در روزنامه ایندیپندنت به خوبی نکات حاشیه‌ای و تا اندازه زیادی محرمانه این اتفاق را شرح داده‌اند تا معلوم شود حریری تحت فشار سعودی‌ها و برای به راه انداختن هجمه‌ای علیه حزب‌الله در لبنان دست به این کار زده است. این نحو تلقی نسبت به نحوه رفتار با حریری در عربستان جبهه‌ای در داخل و خارج از لبنان برای آزادی او از دست سعودی‌ها به راه انداخت تا اینکه سرانجام بعد از سه هفته پایش به لبنان رسید و به ملاقات میشل عون در کاخ ریاست جمهوری بعدا برود و معلوم شود که بر خلاف آن نمایش تلویزیونی از شبکه العربیه، استعفای او چندان پایه محکمی ندارد و تنها با یک درخواست از طرف عون به حالت تعلیق در می‌آید.

■ شرط نیم‌بند

این به طور مسلم یک عقب‌نشینی از سوی حریری است که سعودی‌ها انتظارش را نداشتند هر چند دوشنبه‌شب گذشته و در مصاحبه با شبکه فرانسوی سی‌نیوز از شروطی گفت تا به نوعی این عقب‌نشینی و ماندن در پست نخست وزیری لبنان را توجیه کرده باشد. شرط اصلی او در این مصاحبه برای ماندن در پست نخست‌وزیری مربوط به موضعش نسبت به حزب‌الله است که موضع خود را بیشتر با تأکید بر بی‌طرفی حزب‌الله در درگیری‌های منطقه‌ای بیان می‌کرد. قبل از هر چیز باید توجه داشت که لحن او در مورد حزب‌الله آشکار با لحنش در قرائت استعفانامه حدود یک ماه قبل تفاوت فاحشی داشت. او در آن متن حزب‌الله را متهم به دخالت در امور کشورهای عربی و تیره شدن روابط این کشورها با لبنان می‌کرد، اما تأکید او بر بی‌طرفی در این مصاحبه نشان داد که دیگر نمی‌خواهد آن لحن و اتهامات را علیه حزب‌الله تکرار کند. علاوه بر این، حریری به صراحت دخالت حزب‌الله در جنگ یمن را تکذیب کرد و گفت: «سیدحسن نصرالله گفته است که نیروهای مسلح حزب‌الله در یمن نیستند و من این سخن او را تصدیق می‌کنم.» این تکذیبیه و این نحو استناد به سخنان سیدحسن نصرالله چیزی نیست که خوشایند سعودی‌ها باشد؛ چراکه آنها مدام سعی در متهم کردن حزب‌الله دارند و اینکه حزب‌الله در جنگ یمن و ناآرامی‌های بحرین دخالت می‌کند. علاوه بر این حریری با گفتن اینکه «لبنان نمی‌تواند مسئله حزب‌الله را که یک مسئله منطقه‌ای است به تنهایی حل کند» موضعش نسبت به حزب‌الله را در چارچوب مسائل منطقه‌ای قرار داده تا اینکه آن نوع اتهام‌زنی یکطرفه در متن استعفای خود را تلطیف کرده باشد. با توجه به این موارد روشن می‌شود که حریری شرطش در مورد حزب‌الله و تأکید او بر بی‌طرفی را در همان مصاحبه همراه با ملاحظات دیگری بیان کرده تا راه را برای چانه‌زنی باز کرده باشد و به عبارت دیگر او این شرط را نه به صورتی تام و تمام بلکه نیم‌بند در جهت معاملات سیاسی بیان کرده است.

■ تأثیرات سیاسی

خروج لبنان از بحران و بازگشت به آرامش فرصتی را برای این کشور فراهم کرده تا رفته‌رفته تأثیر این بحران بر جریان‌های سیاسی دیده شود. این شرایط در میان دو جناح عمده سیاسی بیشتر بر جناح ۱۴ مارس تأثیر می‌گذارد که حزب المستقبل با رهبری سعد حریری در این جناح نقش برجسته‌ای دارد. هیچ شکی نیست که برخی از شخصیت‌های این جناح مثل اشرف ریفی در حزب المستقبل یا سمیر جعجع، رهبر حزب نیروهای لبنان، آماده بودند تا با مانور سیاسی بر سر استعفای حریری، جریانی از تنش علیه حزب‌الله و جناح ۸ مارس به راه بیندازند و به این ترتیب نقش پیاده‌نظام را در طرح سعودی‌ها علیه لبنان بازی کنند. اشرف ریفی زود قافیه را باخت؛ چراکه عمده شخصیت‌های المستقبل و حتی فؤاد سنیوره با او همراه نشدند و اتحاد سیاسی در لبنان برای بازگرداندن حریری به کشور آنقدر قوی بود که مجالی به ریفی نداد. جعجع هم تلاش خود را کرد و حتی در همان روزهای اول و با حمایت از استعفای حریری گفت: «با اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم، کسی که برای خود احترام قائل باشد حاضر نمی‌شود در دولت باقی بماند.» صدای جعجع همانند ریفی بازتابی در میان احزاب و گروه‌های سیاسی لبنان پیدا نکرد و حتی خانواده حریری و یاران نزدیک او سمت و سوی اعتراض خود را متوجه او کردند با این اتهام که می‌خواهد از پشت به نخست وزیر خنجر بزند و این تصور را تقویت کند که سعد حریری دیگر به قدرت بازنمی‌گردد. جعجع در روزهای نخست از استعفای وزرایش در کابینه می‌گفت اما وقتی مواجه با این اعتراض شد، بیشتر ترجیح داد سکوت کند تا بیش از این متهم به خیانت نشود و حالا که حریری برگشته و استعفایش را معلق کرده، حرف از ماندن در دولت می‌زند. با وجود این، معلوم است که شرایط برای این دست افراد نمی‌تواند مثل قبل باشد. روزنامه النهار با توجه به این موضوع می‌پرسد: «آیا سمیر جعجع در ارزیابی سیاسی خود مرتکب اشتباه شد و در نتیجه این اشتباه، به همان سرنوشتی دچار خواهد شد که اشرف ریفی وزیر مستعفی دولت به آن دچار شد؟» پاسخ این سؤال به زودی معلوم می‌شود، اما نکته مشخص در توجه فعلی احزاب و گروه‌های سیاسی لبنان تمرکز بر توافقی است که با محوریت میشل عون به دست آمده تا به قول او لبنان نمونه‌ای باشد از همزیستی این احزاب و گروه‌ها با یکدیگر.

تقابل روسیه با حصر موشکی امریکا

رویکرد
دکتر سیدرضا میرطاهر

یکی از محورهای اصلی مناقشه بین روسیه و امریکا از سال ۲۰۰۷ بدین سو، تلاش مستمر امریکا برای گسترش و استقرار سامانه‌های ضد موشکی در نقاط استراتژیک جهان بوده است. در وهله نخست تلاش واشنگتن معطوف به استقرار سامانه ضد موشکی موسوم به سپر موشکی در شرق اروپا در دوره دوم زمامداری جورج دبلیو بوش شد که اعتراض و اقدامات متقابل روسیه را به دنبال داشت، اما در مرحله بعد شاهد استقرار سامانه‌های ضد موشکی امریکا در آسیای شرقی به ویژه در کره جنوبی بوده‌ایم که این اقدام نیز انتقاد شدید روسیه را برانگیخته است. البته امریکا اقداماتی نیز برای استقرار رادارهای رهگیر ضد موشکی در خاورمیانه انجام داده است.

■ مراحل مختلف

طرح‌های امریکا برای استقرار سامانه‌های ضد موشکی در اروپا تاکنون چند مرحله مختلف را پشت سر گذاشته است. طرح سپر موشکی جورج دبلیو بوش که در سال ۲۰۰۷ ارائه شد، شامل استقرار رادار رهگیر ایکس باند در جمهوری چک و رهگیرهای ضد موشکی در لهستان بود. پافشاری دولت بوش برای اجرای این طرح و همراهی دو کشور اروپای شرقی یعنی لهستان و جمهوری چک با آن، به رغم مخالفت‌های شدید مسکو، باعث شد تا در سال‌های آخر زمامداری بوش، این مسئله به محور اصلی اختلاف روسیه و امریکا مبدل گردد. با روی کار آمدن باراک اوباما رئیس جمهوری دموکرات امریکا شاهد از سرگیری طرح استقرار سامانه‌های ضد موشکی امریکا در اروپا در قالبی جدید بودیم که در چارچوب طرح جدید قرار بود تا سامانه‌های ضد موشکی در چهار مرحله در اروپای جنوبی و شرقی تا سال ۲۰۲۰ مستقر شوند که بعدها این طرح تعدیل و قرار شد تا استقرار سامانه‌های ضد موشکی در سه مرحله در کشورهای ترکیه (دریای مدیترانه)، رومانی و لهستان تا سال ۲۰۱۸ تکمیل شود. در حال حاضر مرحله اول آن در ترکیه و دریای مدیترانه و مرحله دوم آن یعنی سامانه ضد موشکی در پایگاه هوایی «دوسلو» در ۱۸۰ کیلومتری جنوب غربی بخارست پایتخت رومانی در اواخر می ۲۰۱۶ عملیاتی شده است. هزینه برپایی این پایگاه ضد موشکی ۸۰۰ میلیون دلار بوده است. سامانه ضد موشکی امریکا در رومانی شامل یک رادار، چند رهگیر موشکی و سیستم‌های ارتباطی است که امریکا هدف از برپایی از آن را حفاظت از متحدان اروپایی خود در برابر کشورهای سرکش اعلام کرده است. رابرت ورک معاون وزیر دفاع امریکا در مراسم افتتاح این پایگاه ضدموشکی این مسئله را که سامانه ضد موشکی در رومانی با هدف حفاظت از اروپا در برابر تهدیدهای موشکی روسیه راه اندازی شده است، تکذیب کرد. سامانه ضدموشکی امریکا در خاک رومانی در واقع نوع زمین پایه سامانه راداری و موشکی ایجیس است. بخش اصلی این سامانه رادارهایی هستند که پرتاب موشک‌های بالستیک را ردگیری و سپس رهگیری می‌کنند. استقرار این سامانه با استقبال مقامات ارشد رومانی مواجه شده و تأکید کردند که سامانه ضد موشکی ناتو در غرب این کشور علیه هیچ کشوری نیست. در واقع تهدیدات ناتو علیه روسیه به تدریج تشدید می‌شود.

■ نگاه روس‌ها

از دیدگاه روسیه استقرار این پایگاه ضد موشکی در تناقض با پیمان «نیروهای هسته‌ای میانبرد ۱۹۸۷» است که بر اساس آن استقرار موشک‌های هسته‌ای میانبرد در اروپا از سوی روسیه و امریکا منع شده است. به گفته مقامات روسی، به دلیل اینکه سکوهای پرتاب ام کا - ۴۱ مستقر در پایگاه ضد موشکی امریکا در رومانی قادر به شلیک موشک‌های کروز نیز هستند، لذا عملیاتی شدن این پایگاه، به مثابه نقض پیمان ۱۹۸۷ است. همچنین به رغم تهدیدات مسکو، امریکا احداث سامانه ضد موشکی در پایگاه هوایی «رزیکووو» در شمال لهستان و در نزدیکی سواحل دریای بالتیک را آغاز کرد. در این سایت که قرار است ساخت آن تا سال ۲۰۱۸ تکمیل شود، ۳۰۰ نظامی امریکایی مستقر خواهند شد. سران ناتو در جریان نشست سال ۲۰۱۰ که در لیسبون پایتخت پرتغال برگزار شد، با استقرار سامانه‌های ضد موشکی امریکا در اروپا موافقت کردند. این پایگاه ضد موشکی به همراه پایگاه ضد موشکی دوسلو و چهار ناوشکن امریکایی مجهز به سیستم دفاع موشکی «ایجیس» شبکه‌ای را تشکیل می‌دهند که می‌توانند موشک‌های بالستیک شلیک شده به سمت اروپا را تشخیص دهند و آنها را ردیابی و منهدم کنند. ترکیه نیز از سال ۲۰۱۲ به یک رادار رهگیر ایکس باند مجهز شده که می‌تواند سیستم دفاع موشکی ایجیس را فعال و اطلاعات حاصل از آنها به رادار دیگری در بریتانیا منتقل کند. ناوهای جنگی هلندی و دانمارکی نیز با تجهیزاتی که با این سیستم یکپارچه است مجهز شده‌اند. کنترل امور مربوط به این شبکه در پایگاه هوایی امریکا در «رامشتاین» آلمان انجام می‌شود و اگر چه این سیستم در ظاهر تحت کنترل ناتو است، اما در واقعیت تحت مدیریت و تأمین مالی امریکا قرار دارد.

■ تلاش در شرق آسیا

روسیه نه فقط در زمینه ادامه استقرار سامانه‌های ضد موشکی امریکا در شرق اروپا معترض است، بلکه اقدام اخیر واشنگتن در دوره ترامپ در زمینه استقرار سامانه ضد موشکی «تاد» در کره جنوبی نیز با واکنش منفی مسکو مواجه شده است. امریکا و کره جنوبی در ژوئیه ۲۰۱۶ برای استقرار سامانه ضد موشکی «تاد» در این کشور با ادعای مقابله با تهدیدهای موشکی کره شمالی توافق کردند که با مخالفت چین و روسیه مواجه شد. از دیدگاه مسکو، اجرای برنامه توسعه محدوده جغرافیایی سامانه دفاع موشکی جهانی امریکا وارد مرحله عملی شده است. مسکو چندین بار با توجه به تلاش مستمر واشنگتن برای ایجاد و توسعه سامانه ضد موشکی جهانی در باره آن هشدار داده است. از نگاه روسیه، اینگونه اقدامات امریکا عواقب خطرناکی را برای ثبات راهبردی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه دارد. کما اینکه به گفته روس‌ها، با استقرار سامانه ضد موشکی «تاد» در منطقه حساس آسیا - اقیانوس آرام، در واقع عامل مخرب جدیدی شکل گرفته که می‌تواند حل مسئله هسته‌ای کره شمالی و سایر مسائل شبه جزیره کره را دشوارتر و رقابت تسلیحاتی از جمله در عرصه موشکی را در این منطقه و جهان افزایش دهد. روس‌ها معتقدند توسعه هر چه بیشتر سامانه‌های ضد موشکی امریکا در اروپا و اکنون در شرق آسیا که توانمندی رهگیری موشک‌های هسته‌ای استراتژیک روسیه و نیز چین را دارند، به منزله اقدامی برای خنثی کردن توانمندی آفندی هسته‌ای روسیه و چین است. این مسئله اعتراضات مکرر مقامات نظامی و سیاسی روسیه و چین را موجب شده است. در واقع علاوه بر اروپای شرقی، بخش دیگر طرح واشنگتن برای ایجاد سامانه جهانی ضد موشکی، از پنج سال قبل با استقرار رادارهای پیش اخطار حملات موشکی در ژاپن آغاز شد و اکنون مرحله دیگری از این طرح یعنی استقرار سامانه ضد موشکی «تاد» در کره جنوبی صورت گرفته است. مسکو و پکن بارها تأکید کرده‌اند این سامانه ضد موشکی بردی فراتر از مرزهای کره جنوبی دارد و به امریکا و کره جنوبی امکان ردیابی موشک‌ها، جمع‌آوری اطلاعات از موشک‌های چینی و روسی و مرتبط شدن به سامانه دفاع موشکی امریکا در ژاپن را می‌دهد. به رغم اعتراضات مکرر روسیه و چین به عنوان دو قدرت نظامی رقیب امریکا در اروپا و شرق آسیا، واشنگتن بی توجه به این اعتراض‌ها، اقدامات خود در این زمینه را ادامه داده است. در واکنش به توسعه جهانی سامانه ضد موشکی امریکا، روسیه نه فقط اقدامات متقابل را در پیش گرفته، بلکه توجه خود را معطوف به طراحی و ساخت موشک‌هایی کرده است که قادر به گذشتن از تور ضد موشکی امریکا باشند.

■ جمع بندی

از دیدگاه مسکو، توسعه هر چه بیشتر سامانه‌های ضد موشکی امریکا و ناتو که توانمندی رهگیری موشک‌های هسته‌ای استراتژیک روسیه را دارند، به منزله اقدامی برای خنثی کردن توانمندی آفندی هسته‌ای روسیه محسوب می‌شود. روسیه در واکنش به ادامه استقرار سامانه‌های ضد موشکی ناتو امریکا در شرق اروپا یعنی در رومانی و لهستان اقدامات دفاعی زیادی انجام داده است. از جمله مهم‌ترین این اقدامات تشکیل یک نیروی مستقل به نام نیروی هوافضا بوده است که وظیفه دفاع از حریم هوافضایی روسیه را بر عهده دارد. در واقع رادارهای پیش اخطار مستقر در نقاط مرزی مختلف روسیه زیر نظر این نیرو فعالیت می‌کنند. از جمله دیگر اقدامات روسیه، استقرار شمار نامشخصی از موشک‌های هسته‌ای تاکتیکی اسکندر در منطقه کالینینگراد در مجاورت مرزهای لهستان است. روسیه قبلاً تهدید کرده بود که به عنوان اقدامی برای مقابله با سامانه‌های ضد موشکی ناتو و امریکا، موشک‌های اسکندر را که قادر به حمل کلاهک‌های هسته‌ای یا متعارف هستند، در منطقه کالینینگراد مستقر خواهد کرد. در کنار این اقدامات، روسیه به صورت جدی تهدید کرده است در صورت پافشاری امریکا در زمینه برپایی سامانه‌های ضد موشکی در اروپا، از پیمان کاهش تسلیحات استراتژیک هسته‌ای موسوم به «استارت-۲» خارج خواهد شد. در عین حال مقامات نظامی روسیه بر توانمندی موشک‌های بالستیک قاره پیمای روسیه در گذر از سامانه‌های ضد موشکی ناتو تأکید می‌کنند. با وجود اقدامات متقابل روسیه، نه فقط امریکا از موضع خود در زمینه ادامه استقرار سامانه‌های ضد موشکی در اروپا عقب‌نشینی نکرده، بلکه اکنون شاهد تلاش امریکا برای گسترش استقرار سامانه‌های ضد موشکی در شرق آسیا و تنش آفرینی در این منطقه حساس هستیم.